

In-depth reading and analysis based on Article 11 of the (Constitution)

Behzad ghasemi*

Received: 2020/04/26

Abstract

Accepted: 2020/07/28

Coalition and unity of Islamic nations is one of the fundamental issues in civilization. Given that; The precondition for the establishment of a new Islamic civilization is the unity of Muslims and the formation of coalitions among Muslim nations; This issue has been selected as the main focus of the research. The components of coalition building and the achievements of the Islamic Revolution have been explored along with civilization, and the main question of the article is that; What are the components of coalition building and the achievements of the Islamic Revolution in the new Islamic civilization and what are its examples? The hypothesis of the research is that the system that emerged from the Islamic Revolution has been successful in the field of theorizing, its achievements and results, relying on the eleventh principle of the constitution (coalition building of Muslims). The purpose of this study is to explain the role of the Islamic Revolution in civilization and has addressed it using the conceptual framework of Islamic civilization and coalition building. The unity of Muslims has been important and priority from the perspective of the founder of the Islamic Revolution, and with the death of Imam Khomeini, the leader of the revolution, they staged and theorized civilization. In addition to religious and Quranic roots, civilization building has a definite horizon in the roadmap of the Islamic Revolution. This is important according to the verse of the Qur'an, that these nations are one nation and that God is the slave of all Muslims, one nation, and the Islamic Republic of Iran is obliged to base its general policy on the coalition and unity of Islamic nations and make continuous efforts to achieve unity. Realize the political, economic and cultural world of the Islamic world.

Keywords: Islamic Revolution, Civilization, Political Islam, Coalition Building, Ideology, Constitution, Islamic Republic of Iran.

*Assistant Professor of History, Imam Hossein University, Tehran, Islamic Republic of Iran.

Ghasemi.b@ihu.ac.ir

انقلاب اسلامی و تمدن نوین بر پایه اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی

(خوانشی تعمیقی و تحلیل محور به اصل ۱۱ قانون اساسی)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۷

بهزاد قاسمی*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰

چکیده

ائتلاف‌سازی و اتحاد ملل اسلامی یکی از مسائل بنیادی در تمدن‌سازی است. با عنایت با اینکه؛ پیش شرط تأسیس تمدن نوین اسلامی وحدت مسلمین و ائتلاف‌سازی میان ملت‌های مسلمان می‌باشد؛ این مسئله به عنوان محور اصلی پژوهش انتخاب شده است. مؤلفه‌های ائتلاف‌ساز و دستاوردهای انقلاب اسلامی در امتداد تمدن‌سازی مورد واکشافی قرار گرفته و سؤال اصلی مقاله چنین مطرح شده که؛ مؤلفه‌های ائتلاف‌سازی و دستاوردهای انقلاب اسلامی در تمدن نوین اسلامی چیست و مصادیق آن کدامند؟ مفروضه پژوهش این است که نظام برآمده از انقلاب اسلامی با تکیه بر اصل یازدهم قانون اساسی (ائتلاف‌سازی مسلمین) در عرصه نظریه‌پردازی، دستاوردها و نتایج آن موفق عمل کرده است. هدف پژوهش حاضر تبیین نقش انقلاب اسلامی در تمدن‌سازی بوده و با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی تمدن اسلامی و ائتلاف‌سازی به آن پرداخته است. وحدت مسلمین از منظر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی دارای اهمیت و اولویت بوده، و با رحلت امام خمینی (ره) رهبر انقلاب تمدن‌سازی را مرحله‌بندی کرده و تئوری‌پردازی نمودند. تمدن‌سازی علاوه بر ریشه دینی و قرآنی در نقشه راه انقلاب اسلامی افق مشخصی دارد. این مهم به حکم آیه کریمه ان هذمه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون همه مسلمانان یک امت‌اند و جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی‌گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، تمدن‌سازی، اسلام سیاسی، ائتلاف‌سازی، ایدئولوژی، قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

بیان مسئله

هدف پژوهش شناخت و تبیین بنیادین و خوانشی تحلیلی از اصل یازدهم قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران و تأثیر انقلاب اسلامی بر تمدن نوین اسلامی و اتحاد و ائتلاف ملل مسلمان است. اهمیت تحقیق شناخت زمینه و مبانی مشترک مسلمین در تأسیس تمدن نوین اسلامی می‌باشد. با عنایت به اینکه؛ جهان اسلام و ملت‌های مسلمان در گذشته تاریخی خود همواره مورد تهاجم قدرت‌های استکباری، استعماری و نظام‌های سلطه‌گر جهانی برای کسب منافع خود بوده‌اند. کشورهای قدرتمند جهانی همواره به دنبال ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی و سلطه بر سرنوشت مسلمین داشته‌اند. اهمیت این مقاله شناخت مبانی مشترک و برای برون‌رفت از و تفرقه، ایجاد همبستگی و ائتلاف بین ملل مسلمان اهمیت دارد. عدم شناخت و بهره نگرفتن از ظرفیت‌های امت اسلامی در سراسر جهان برای نیل به تمدن نوین یک خلاء نظری و پژوهشی بوده و نگارش مقاله امری ضروری است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استیلاء گفتمان اسلام سیاسی بر نظام برآمده از انقلاب اسلامی، ماهیت نظام سیاسی پیشین را دگرگون کرده و نظام جمهوری اسلامی در ایران بنا شد. در واقع انقلاب اسلامی ایران علاوه بر ایجاد حاکمیت و نظام سیاسی، رسالت دیگری نیز پذیرفته و آن را در قانون اساسی تثبیت و تأیید نموده است. رسالت مهم و بزرگ انقلاب اسلامی «تمدن‌سازی» بوده که به اشکال مختلف در اصول متعدد قانون اساسی آمده است. انقلاب اسلامی با درج و تثبیت اصل ائتلاف‌سازی در قانون اساسی به حکم آیه کریمه «ان هذہ امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» رسالت نظام انقلابی دانسته و خود را موظف به اجرای آن می‌داند.

مسئله اصلی پژوهش در این نوشتار تبیین نقش انقلاب اسلامی و نظام

جمهوری اسلامی در تمدن‌سازی است. محورهای اصلی پژوهش در بخش‌های مؤلفه‌های ائتلاف ساز، دستاوردهای ائتلاف‌سازی انقلاب اسلامی، مصادیق عینی و آسیب‌های تمدن‌سازی در سطوح مختلف به صورت تعمیقی و مبتنی بر اصل ۱۱ قانون اساسی، مورد غور و بررسی قرار گرفته است. بررسی‌ها حاکی از آن است که، انقلاب اسلامی در عرصه تئوری و تبیین نظری و در محیط مأموریتی و میدانی جهان اسلام موفق عمل کرده است. انقلاب اسلامی مبتنی بر گفت‌وگو، مقاومت و رسالت نهضتی خود توانسته است، سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. در نتیجه تمدن‌سازی مدنظر جمهوری اسلامی با ایجاد ائتلاف و اتحاد بین ملل و مسلمین دست یافتنی است. در واقع انقلاب اسلامی ایران «مبدع»، «آغازگر» و تا حدودی «مجری و اجراء»کننده پروژه «تمدن نوین اسلامی» هست.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی مقاله این است که؛ نقش انقلاب اسلامی در تمدن‌سازی چگونه قابل تعریف و ارزیابی است؟

سؤالات فرعی پژوهش در راستای پاسخ به سؤال اصلی عبارتند از:

- ۱- چه مؤلفه‌هایی باعث ائتلاف‌سازی انقلاب اسلامی در تمدن‌سازی می‌شود؟
 - ۲- دستاوردهای انقلاب اسلامی در تمدن‌سازی چیست و چه نتایجی داشته است؟
 - ۳- چه آسیب‌هایی در مسیر تمدن‌سازی و بر سر راه ائتلاف‌سازی قرار دارد؟
- مفروض پژوهش به این صورت است که انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن براساس اصل یازدهم قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی در مسیر ائتلاف‌سازی مسلمین و کشورهای اسلامی برآمده و در این مسیر دستاوردهایی را به همراه داشته است. نگاه فرا وطنی و فراملی انقلاب اسلامی، منطق امت محوری و جهان وطنی

دولت مقاومت اسلامی قدرت بازیگری آن را تقویت کرده و به عنوان یاریگر انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی عمل کرده است. مسئله اصلی پژوهش بر محور اصل یازدهم قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی قرار دارد. به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمین به عنوان یک امت واحد در نظر گرفته شده است. جمهوری اسلامی نیز بر اساس قانون اساسی موظف است که سیاست‌های خود را بر اساس آن تنظیم و دنبال نماید (قانون اساسی، ۱۳۸۲، ص ۲۷). سیاست کلی نظام جمهوری اسلامی در ائتلاف‌سازی ملل مسلمان و اتحاد امت اسلامی است. در اینجا با خوانشی تعمیقی و تحلیل محور به اصل ۱۱ قانون اساسی، فرایند نظری و مصادیق عملی کوشش و تلاش جمهوری اسلامی در زمینه وحدت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تجزیه و تحلیل شده و مصادیق آن نیز بیان شده است.

۱. پیشینه تحقیق

درباره پیشینه پژوهش نیز گفتنی است که، پس از بررسی و مطالعه منابع مختلف پیرامون تمدن نوین اسلامی به برخی منابع و اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و علمی منتشر شده در حوزه تمدن اسلامی اشاره می‌شود. مقاله «چالش‌های ژئوپلیتیکی همگرایی در جهان اسلام» از محمدرضا حافظ نیا و سید هادی زرقانی (۱۳۹۱) است که یافته‌های آن به گسیختگی فضای جغرافیایی، تفاوت‌های مذهبی، قومی، اندیشه و نظام سیاسی، عدم استقلال و وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی، تعارضات سرزمینی، رقابت داخلی قدرت‌های برتر جهان اسلام، وجود پیمان‌های سیاسی - امنیتی با قدرت‌های بزرگ و بازیگران فرامنطقه‌ای اشاره کرده‌اند. مقاله «واکاوای شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری» از مرتضی اکبری و فریدون رضایی (۱۳۹۳) است که نتایج مقاله بیانگر آن است که اعتقاد مقام معظم رهبری گسترش تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته‌جمعی نیاز دارد که در

سایه وحدت، انضباط، کار، تلاش، ایمان به خدا، خلاقیت، عقلانیت، توانایی علمی و داشتن رسانه‌های قوی به وجود می‌آید. مقاله «تبیین ژئوپلیتیکی الگوهای اسلام‌گرایی در جهان اسلام از منظر برساخت‌گرایی» از افشین متقی و مصطفی رضایی (۱۳۹۲) است که در این مقاله به سه الگوی مهم اشاره شده است. در این مقاله نگارندگان سه الگوی کلی را مدنظر قرار داده‌اند. این الگوها عبارت‌اند از؛ الگوی انقلاب اسلامی، الگوی اسلام سلفی یا افراطی و الگوی اسلام لیبرالی از دید برساخت‌گرایی هرکدام از این الگوها دارای ساختار و نظام معنایی و هویتی و ساختاری از منافع است که هویت کلان این الگو را مشخص می‌سازد در این مقاله مدل و الگوی انقلاب اسلامی را انتخاب نموده است. مقاله «نظریه‌گذار تمدنی به مثابه راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی» از هادی عبدالملکی، قدیر نظامی و طاهای عشایری (۱۳۹۷) است. مقاله مزبور به موضوع گذار تمدنی پرداخته و مسئله اختلاط و تناقض تمدنی به عنوان محور اصلی بحث اتخاذ شده است. بحث گذار تمدنی با رویکردی دینی و در قواره جهان‌بینی اسلامی مورد واشکافی قرار گرفته است. یافته‌های مقاله این است که رهایی از اختلاط تمدنی و حرکت در مسیر تمدن اسلامی و قدم نهادن در مسیر جدید و یا صحیح تمدن‌سازی مستلزم تمرکز بر برخی راهکارهای تمدنی است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که تمدن‌سازی در بنیاد تفکر الهی و اسلامی قابل دست‌یابی است و ساخت‌یابی تمدن اسلامی - ایرانی نیازمند مبانی معرفتی، نهادها و هنجارهای مهم و ضروری و کنترل و نظم‌دهی آن است. با بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده در زمینه تمدن اسلامی از یک سو اهمیت این موضوع آشکار شده و نشان می‌دهد که همچنان موضوع تمدن اسلامی محل پژوهش و در خور تحقیق و پردازش است. از سوی دیگر وجه تمایز مقاله حاضر با سایر پژوهش‌های انجام شده تبیین نظری نقش انقلاب اسلامی در تمدن‌سازی است که

در پژوهش‌های انجام شده کمتر دیده شد. علاوه بر آن وجوه ممتاز مقاله تبیین و به تصویر کشیدن دستاوردهای عینی و عملی انقلاب اسلامی در عرصه تمدن‌سازی مبتنی بر اصل ۱۱ قانون اساسی است. در این مقاله کوشش چهل ساله نظام جمهوری اسلامی در گفتمان‌سازی و ائتلاف مسلمین منطبق با اصول قانون اساسی بوده است.

۲. مبانی نظری پژوهش: مفهوم‌شناسی تمدن و تمدن‌سازی

۲-۱. تعاریف و مفاهیم

تعریف و مفهوم تمدن و تمدن اسلامی: در اینجا مقصود از تعریف تمدن و تمدن‌سازی برداشت محتوایی آن برای تبیین هرچه بهتر موضوع است. با این وصف گفتنی است، تمدن معادل (civilization) یا حضاره متداول شده است. این واژه در انگلیسی از لغت لاتین (civis) به معنی شهروند یا شهرنشین اخذ شده است. تمدن علاوه بر شهرنشینی اشاره به پیشرفت و ترقی جوامع و زندگی انسانی نیز دارد (سپهری، ۱۳۸۵، ص ۳۵). در یونان واژه (civilization) شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط به هم پیوسته اجتماعی قلمداد می‌کردند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۹). در فرهنگ لغت و واژگان تمدن مترادف با؛ شهرنشین، خوی و خصلت شهری و مدنیت داشتن، آشنایی با اخلاق مردم، زندگی و زیست اجتماعی، تعاون و همکاری مردم آمده است (عمید، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۳۰). تمدن در زبان عربی از «مدن» گرفته شده و به معنای استقرار و محل سکونت است. تمدن‌سازی و تمدن نوین اسلامی در تعریف عملیاتی و کاربردی خود یعنی اتحاد، ائتلاف و پیوند عمیق و ناگسستنی بین ملت‌های مسلمان بر اساس آموزه، شریعت، ارزش‌ها و هنجارهای دینی و فرهنگ و تمدن اسلامی است، که بتوانند بر اساس آن نظام سیاسی مبتنی بر اسلام تأسیس کرده و متحد شوند.

مقصود و منظور از تمدن اسلامی، یعنی تمدنی که همه آرمان و مؤلفه‌های

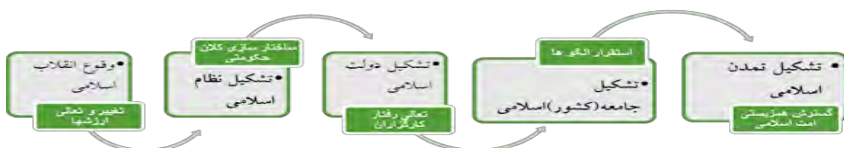
نظری و عملی مبتنی بر اسلام شکل بگیرد. تمدنی که در باور و عقیده، در احکام دینی و در اخلاق و خلق و خوی مبتنی بر اسلام باشد تمدن اسلامی است. حال بر اساس این سه مؤلفه اساسی اسلام سایر شاخص‌های تمدن اسلامی در زمینه عدالت، سیاست، اجتماع، اقتصاد، فرهنگ، دفاع، مقاومت و سبک زندگی نیز قابل احصاء است.

تمدن نوین اسلامی: تمدن، یعنی زندگی توأم بانظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۶). تعریف تمدن نوین اسلامی از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به این شکل است که؛ ارائه سبک زندگی و مدنیت جدید بر پایه احکام و قوانین مترقی اسلامی در گستره جهان است. تمدن اسلامی یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین است؛ و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است، یک حرکت تدریجی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵، ص ۱).

۲-۲. چارچوب مفهومی

ائتلاف مسلمین: گرچه ائتلاف در تعریف به اجتماع و جمع شدن برای هدف خاص آمده است، ائتلاف یعنی با هم الفت گرفتن و یکی شدن است. از نظر اصطلاحی در عرصه سیاست نیز ائتلاف توافقی میان دو یا چند طرف برای حمایت از یکدیگر به منظور پیشبرد منافع متقابل است (عمید، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۸۱). ائتلاف و اتحاد مسلمین در همگرایی آمده است. همگرایی یعنی درهم‌آمیزی جغرافیای سیاسی و سرزمینی، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک کشورهای اسلامی و ملت‌های مسلمان در سرزمین‌های گوناگون، مختلف می‌باشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۷، ص ۲۱). ائتلاف‌سازی مسلمین در این پژوهش اتحاد و همبستگی مسلمین و کشورهای اسلامی بر اساس باور، عقیده و هنجارهای مشترک که به دنبال برپایی و بازگشت مجد و عظمت اسلام هستند. ائتلاف‌سازی در اینجا تعریف و برداشت

همه جانبه از اسلام (تعریف هستی‌شناختی) در راستای اهداف است. تمدن‌سازی: مفهوم تمدن در تعریف مقاله یعنی بازگشت به فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی در حوزه سیاست، فرهنگ و اجتماع مبتنی بر دانش و دستاوردهای مسلمین است. انقلاب اسلامی در واقع بازتولیدکننده گفتمان و دوره طلایی فرهنگ و تمدن اسلامی است. گفتمان اسلامی در حوزه سیاسی با تشکیل حکومت اسلامی در دوره رسول الله شکل گرفت و در حوزه فرهنگی و اجتماعی در قرون نخستین اسلامی وارد قلمرو دیوانی و دیوانسالاری شده است. گفتنی است که تمدن اسلامی در قرون چهارم و پنجم هجری دستاوردهای علمی، پزشکی، ریاضیات، نجوم، انواع دانش نظری و علوم بشری را از سرگذارند و در همه این زمینه‌ها مشرق زمین اسلامی الگوی غرب شده و تمدن غربی از تمدن اسلامی سرمشق گرفت. مقاله پیش رو درصدد تبیین شاخصه‌های تمدن‌سازی مدنظر در گفتمان انقلاب اسلامی است. براساس اصل یازدهم قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، برای برپایی و تاسی تمدن نوین اسلامی باید ائتلاف و اتحاد اسلامی شکل بگیرد. زمانی که راه امت واحده هموار شود و اتحاد بین مسلمین شکل بگیرد در مسیر حرکت بزرگ قدم خواهند گذاشت. هدف از اتحاد و محور مقاومت استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد، که دستاورد نهایی آن تشکیل تمدن اسلامی است. تصویر زیر بیانگر مرحله‌بندی الگوی تمدن نوین اسلامی هست که نقشه راه تمدن‌سازی بر اساس آن صورت خواهد گرفت.



نمودار (۱). مراحل تشکیل تمدن نوین اسلامی

مرحله‌ی اول در این فرآیند، شکل‌گیری انقلاب اسلامی است و پس از آن باید بلافاصله نظام اسلامی تشکیل شود که هنر بزرگ امام خمینی(ره) نیز ایجاد نظام اسلامی بود. رهبر انقلاب، مرحله سوم را که اکنون در آن قرار داریم، «تشکیل دولت اسلامی» یعنی تشکیل دولتی بر اساس الگوها و معیارهای کاملاً اسلامی خواندند و افزودند: تا وقتی این مرحله به طور کامل محقق نشده است، نوبت به «تشکیل جامعه اسلامی» نمی‌رسد و در این صورت، موضوع سبک زندگی اسلامی نیز صرفاً در سطح گفتمان‌سازی در جامعه باقی خواهد ماند. ایشان، گام نهایی در مراحل پنجگانه اهداف انقلاب اسلامی را تحقق «تمدن اسلامی» دانستند و خاطر نشان کردند: تمدن اسلامی، کشورگشایی نیست بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام است. ائتلاف‌سازی و وحدت مسلمین در مرحله چهارم تمدن‌سازی ظهور عینی می‌یابد و الگوها و ساختارها در آن تجلی می‌یابد. ریشه آن در سه مرحله (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی و دولت اسلامی) قرار دارد. وحدت امت اسلامی به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه امت اسلام و سراسر جهان اسلام است، به گونه‌ای که در نهایت، نویدبخش تشکیل امت واحد اسلامی است؛ مصداق آیه شریفه؛ «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون، آیه ۵۲)؛ به کارگیری ابزار تحقق امت واحده، به عنوان یک آرمان نهایی یعنی حکومت عدل جهانی و تمدن‌سازی در سطح جوامع و جهان اسلامی است. همچنین در مسیر ائتلاف‌سازی مسلمین به کارگیری تمام ابزارها، امکانات و منابع مورد توجه قرار گرفته است. آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ.» (حج، آیه ۷۸) اگر چه از نظر مفهومی اشاره به وحدت اسلامی دارد، از جهت روش و ابزارمندی آن شامل تمامی تصمیم‌سازی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، اتخاذ روش‌های واحد، بهره‌گیری از امکانات مشترک، و تدابیری می‌شود که نتیجه و پیامد آن، در تحقق تمدن‌سازی است.

۳. مؤلفه‌های ائتلاف‌ساز انقلاب اسلامی در تمدن‌سازی

امام خمینی (ره) طرح راهبردی تحقق «وحدت سیاسی جهان اسلام» را در قالب یک نظریه سیاسی و تلقی وحدت به عنوان امری راهبردی و استراتژیک طی چند فرایند و مرحله به تصویر می‌کشد که شامل ایجاد بستر و شرایط مناسب برای تحقق وحدت، فعال شدن نخبگان سیاسی و مذهبی به عنوان مجریان وحدت، به‌کارگیری ابزارهای لازم برای حرکت در مسیر اتحاد سیاسی مسلمانان و در نهایت تشکیل دولت بزرگ اسلامی می‌شود. و در تداوم این اندیشه رهبری انقلاب اسلامی مرحله‌بندی توین تمدن اسلامی را ارائه کرده و تمدن نوین اسلامی را تئوری‌پردازی کرده‌اند که جهت رسیدن به ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی باید مؤلفه‌های آن نیز در کشورهای اسلامی مورد نظر بوده و عمل شود.

- بازگشت به خویشتن و باور به خود: تفکر و طرح امام خمینی (ره) در واقع تلفیقی از هویت و توسعه بود. در حالی که رهبران پیشین جنبش بیداری اسلامی چون سیدجمال به دنبال توسعه و تجدد بودند؛ بعضی از اندیشمندان عرصه بیداری اسلامی بر هویت تأکید داشتند. قرآن کریم ایمان را بن مایه خودباوری بیان کرده است (سوره آل عمران، آیه ۱۳۹). از نظر امام خمینی (ره) خودباوری، اتکا به ایمان سبب شکوفایی توانایی‌ها و استعدادها می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۱۱۴). خود باوری و بازگشت به خویشتن در آثار مصلحان اجتماعی وجود داشته است. اقبال خود باوری را چنین بیان نموده است. (پیکر هستی ز آثار خودی است* هرچه می‌بینی ز اسرار خودی است) (اقبال لاهوری، ۱۳۶۶، ص ۹۳). در اینجا مقصود اقبال از بازگشت به خویشتن تنها دعوت مسلمین به اتحاد نیست بلکه ائتلاف ملل محروم و مستضعف در قبال مستکبران مدنظر وی است.

- جهانشمول بودن و عدم انحصارگرایی: در نگاه امام (ره) اسلام دین جهانشمولی است که هیچ یک از تقلیل‌های قومی، زبانی و نژادی در آن راه ندارد «اسلام برای

طایفه خاصی نیست، اسلام برای بشر آمده است نه برای مسلمانان و نه برای ایران. انبیاء مبعوث بر انسان‌ها هستند و پیامبر اکرم(ص) مبعوث بر انسان‌ها بود. خطاب به ناس می‌باشد؛ یا «ایهاالناس» و ما نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۱۵). انقلاب اسلامی ایران با الهام از ایدئولوژی اسلامی که داعیه‌دار سعادت و خوشبختی تمام جهانیان است، طبیعی است که محدود به جغرافیای خاص و منحصر در زمان نیست.

- **توحید عقیده:** ماهیت وحدت همچنین با مفهوم توحید در عقیده یا به عبارت دیگر «توحید کلمه» یا «توحید اعتقاد» روشن می‌گردد. بر این اساس «کلمه‌ای واحد»، «نظری واحد»، «اعتقاداتی واحد» و «جهان‌بینی واحد» وجود دارد که همه بدان ملتزم خواهند بود. چنین وحدتی عامل رشد، تعالی و تکامل جامعه خواهد بود و می‌تواند مدینه فاضله و حکومت مطلوب را ایجاد نماید. به بیان امام: «یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام، که علاوه بر آنکه خود مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است...» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۳۰۹-۳۱۰). امام براساس وجود شمه‌ای از وحدت و اتحاد مبتنی بر اخوت و برادری بین مسلمانان بوده است. چنین وحدتی حول یک جهان‌بینی مشترک شکل می‌گیرد و ایجاد می‌کند که مسلمانان به عنوان صاحبان این مکتب و جهان‌بینی، وحدت لازم را در راستای آن داشته باشند.

- **ائتلاف دول اسلامی:** از عواملی که می‌تواند کشورهای اسلامی را قدرتمند سازد و آنها را در برابر ابرقدرت‌ها مستحکم نگه دارد، وحدت دولت‌ها و سران دولت‌های اسلامی است: «دولت‌های اسلامی باید به‌منزله یک دولت باشند، کأنه یک جامعه هستند... این آمال حاصل بشود که بین دولت‌های اسلامی از همه جهات وحدت پیدا بشود، امید است که به مشکلات خودشان غلبه کنند و یک

قدرتی بزرگ‌تر از قدرت‌های دیگر در مقابل سایر قدرت‌ها باشند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، صص ۱۷۰-۱۹۹). حضرت امام (ره) رمز پیروزی دولت‌ها را وحدت کلمه می‌داند و می‌فرماید: «رمز پیروزی دولت‌ها، وحدت کلمه است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۰۸).

- **تمدن و تفکر اسلام به جای تمدن غربی:** خیزش نهضت اسلامی در سال ۱۹۷۹ میلادی و پیروزی انقلاب اسلامی در واقع استیلاء فرهنگ و تمدن اسلامی در عرصه نظام‌سازی بود. انقلاب اسلامی مبتنی بر تمدن اسلامی بر فرهنگ و تمدن غربی پیروز شده و توانست تأثیر عمیقی بر سایر نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های مردمی برجای بگذارد. نمونه بارز آن بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱ میلادی بود که با سرمشق‌گیری از فرهنگ و تمدن اسلامی درصدد رهایی از فرهنگ و تمدن غربی و اروپایی بودند. سازمان یابی و احیاء فرهنگ و تمدن اسلامی به احیاء نوین در راستای تمدن‌سازی قرار دارد. امروزه اسلام به عنوان بن‌مایه خیزش‌های مردمی و به عنوان مدل موفق در عرصه سیاست، اجتماع و فرهنگ قرار گرفته است. در دورانی که دولت‌های سکولار با پیروی از اندیشه‌های غربی تلاش داشتند. نوسازی را در کشورهای خود پیگیری کنند ولی در عمل با ناکامی مواجه شده‌اند. نمونه‌های موفقیت و احیاء تفکر و تمدن اسلامی در بیداری اسلامی جهان عرب، قیام مردمی انصارالله یمن، حزب الله لبنان، تأسیس بسیج مردمی عراق که موسوم به حشدالشعبی است و همچنین تفکر و باورهایی که بر اسلام استوار بوده و در انتقاد و طرد فرهنگ غربی است.

- **آگاهی سیاسی و بیداری اسلامی:** بیداری اسلامی در نتیجه آگاهی سیاسی است. امروزه در جهان اسلام و میان ملل مسلمان یک بصیرت جمعی و تلاش به همبستگی و ائتلاف بروز و ظهور کرده است. با وجود تنوع در سرزمین، جغرافیا، مذهب بیداری اسلامی در سرزمین جهان اسلامی و با هدف مبارزه با استبداد و

استکبار شکل گرفته است. از مصادیق مهم آگاهی سیاسی مبارزه، مقاومت، حضور در جبهه مقاومت از مصادیق عینی آگاهی سیاسی است. عزت مسلمین ریشه در تعالی خواهی و باور به شریعت و آموزه‌های اسلامی است (مقیسه و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۲۵). بازگشت به خویشتن و گرد هم آمدن مسلمین در نتیجه آگاهی سیاسی و منجر به بیداری اسلامی شده و نویددهنده تمدن‌سازی است.

معنویت‌گرایی و بازگشت به خویشتن در بیانات امامین انقلاب وجود دارد. تحقق چنین مسئله‌ای در گرو احیای اسلام اصیل است. خیزش مردم با چنین درخواستی موجب کسب و حفظ کرامت و منزلت انسانی می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۵). آنچه درباره، مؤلفه‌های تمدن‌سازی مدنظر انقلاب اسلامی در بالا اشاره شد بخشی از آن‌ها بود که در این زمینه می‌توان به آرمان‌گرایی، تقید بر فرهنگ و هویت، اصلاح‌گری، نوگرایی، سیاست‌گرایی، تعالی‌خواهی و بسیاری از مؤلفه‌ها که از مبانی گفتمانی انقلاب اسلامی است اشاره کرد.

در واقع با تکیه بر مؤلفه‌های مهم انقلاب اسلامی در تمدن‌سازی، با استفاده از ظرفیت‌های جهان اسلام ائتلاف‌سازی برای تمدن‌سازی دست‌یافتنی خواهد بود. در برنامه اقدام و اجرایی چشم‌انداز تمدن نوین انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از سابقه تاریخی مشترک، دشمن مشترک، منافع مشترک، جغرافیای مشترک، امکانات و توان مادی و معنوی جهان اسلام با تکیه بر استراتژی مشخص و هدفمند به سمت تمدن‌سازی حرکت خواهد کرد (کاظمی، ۱۳۹۷، صص ۴۱-۴۵).

۴. دستاوردهای ائتلاف‌ساز انقلاب اسلامی در تمدن‌سازی

دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در حوزه تمدن‌سازی انطباق دقیقی با اندیشه و مشی نظری و گفتمانی خود دارد. آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی در حوزه اتحاد ملت‌های مسلمان آمده در واقع پیش‌شرط و زمینه‌ساز تمدن‌سازی است که این الگوی «تمدن نوین اسلامی» در دوره معاصر و با پیروزی انقلاب اسلامی

ایران بازتولید شده است. در حوزه دستاورد و نمونه مصادیق موفقیت‌های انقلاب اسلامی در حوزه تمدن‌سازی به دو دسته دستاورد نظری و دستاوردهای عملی و محیطی می‌توان اشاره کرد؛ که به صورت مختصر اشاره می‌شوند:

۴-۱. دستاوردهای نظری

- اذعان به توانایی اسلام در سیاسی کردن مقاومت و مبارزات: انتخاب اسلام برای مبارزه با استبداد و استکبار، تحول‌نوینی است که پس از انقلاب اسلامی روی داده است. پیش از آن حتی گروه‌های سیاسی ایرانی همچون مجاهدین دیروز و منافقین امروز نیز اعتقاد راسخی به توانا بودن اسلام در مبارزه بر ضد بیداد و ستم نداشتند، ولی انقلاب اسلامی ایران نشان داد که اگر اسلام به‌خوبی تفسیر شود، می‌تواند مقتدرترین رژیم‌های سیاسی را براندازد و خود بر جای آن حکومت کند. این حادثه توجه گروه‌ها و جنبش‌هایی را که سال‌ها به دلیل انتخاب ناسیونالیسم، کمونیسم و حکومت‌هایی مانند آنها، در نیل به آرمان‌های سیاسی خود توفیقی به‌دست نیافته بودند، به خود جلب کرد. در این میان، تبدیل مسئله فلسطین از یک مسئله ناسیونالیستی و کمونیستی به یک مسئله اسلامی، یکی از برجسته‌ترین ارزش‌هایی است که از انقلاب اسلامی به عاریت گرفته شد. بنابراین، جنبش فلسطین برای خارج شدن از بن‌بست مبارزه بی‌فرجام خود، سرانجام اسلام را تنها ابزار کارآمد یافت، به‌گونه‌ای که شیخ محمد ابوطیر، از روحانیان برجسته فلسطینی، تنها اسلام را راهگشای آزادی فلسطین می‌داند.

- انقلاب اسلامی و مهندسی حکومت در اسلام: هندسه جدید نظام اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت، تغییرات شگرفی در مبانی و ساختار قدرت، مشروعیت و شیوه دموکراتیک آن ایجاد کرد. بعد از انقلاب اسلامی مردم‌سالاری از اصول مورد اهتمام قرار گرفته است. مردم‌سالاری دینی به معنای حق حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی خود است که این حق را خداوند بر

اساس اصول و مقاصد دینی اعمال می‌کند. در نتیجه مردم‌سالاری دینی از ارکان اساسی تمدن‌سازی است (نقیبی، ۱۳۹۷، صص ۱۲۹-۱۳۰) اسلام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی به صورت بهترین الگو و مهم‌ترین خواسته سیاسی مبارزان مسلمان به شمار می‌آید. یکی از رهبران مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در این باره می‌گوید: «ما در آن موقع می‌گفتیم اسلام در ایران پیروز شده است و به زودی به دنبال آن در عراق نیز پیروز خواهد شد. بنابراین، باید از آن درس بگیریم و آن را سرمشق خود قرار دهیم». (جمشیدی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۹۱). هندسه حکومت در اسلام پس از انقلاب اسلامی متحول شده و به مدل جمهوری اسلامی تغییر یافت. امروزه عناصر، مواد و سازه جنبش‌های اسلامی برگرفته از شریعت و موازین اسلامی است. جمهوری اسلامی تنها راه نجات را در اسلام و استقرار جمهوری‌های مستقل اسلامی می‌داند.

- گسست در اندیشه تمدن‌سازی غرب و ارائه الگوی جایگزین: انقلاب اسلامی به شکل‌های مختلفی ساختارهای مسلط جهانی را در هم شکست و ساختارهای ارزشی جدیدی را جایگزین ساختارهای پیشین نمود. زیر ساخت حکومت جدید اسلامی شده و زیرساخت‌های غربی را از هم گسست. آنچه در مبانی فکری مدرنیته وجود داشت، همسوایی با ملل مسلمان نداشته و با فطرت بشریت و مسلمین سازگار نبود. انقلاب اسلامی دنیاگرایی افراطی را به اسلام‌گرایی تغییر داد. در اسلام‌گرایی تغییر داد. در اسلام سیاسی دین و دنیا باهم و در کنار هم معنا می‌یابد. با متلاشی ساختن زیرساخت‌های فرهنگ غربی در زمینه باور، نگاه به دنیا و تأسیس نظام سیاسی، بیداری اسلامی با الگوی جدیدی به دنبال تأسیس جمهوری‌های مستقل و آزاد برآمد. مواد الگوی جایگزین در تمدن‌سازی در دل زیست بوم، فرهنگ سرزمینی و تفکرات دینی مسلمین وجود داشته و ملل مسلمان با تمسک به داشته‌های خود به دنبال تأسیس تمدن خود شدند. شاکله فرهنگ و

تمدن اسلامی تنها مستقل از تمدن غربی بود بلکه در تضاد با آن قرار دارد.

همگرایی ملل به جای واهمگرایی (وحدت مسلمین): بنیان‌گذار انقلاب اسلامی درباره دوباره وحدت می‌فرماید: «ما برای اینکه وحدت امت اسلامی را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دول‌های دست‌نشانده آن‌ها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمانان است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۴۳). به تعبیر امام وحدت برای حفظ نظام و حکومت برای تأمین وحدت ضروری است. از نظر البناء وحدت امت یکی از ستون‌های حکومت اسلامی است. از نظر وی اسلام وحدت امت را واجب کرده است که تساهل در آن در هیچ حالی روا نیست؛ زیرا اسلام وحدت را قرین ایمان می‌داند چنان‌که اختلاف و تفرقه را قرین کفر می‌خواند. از سوی دیگر با مطالعه سایر اندیشه‌ورزان جهان عرب نیز موضوع وحدت مورد توجه جدی واقع شده است (قاسمی و فرجی، ۱۳۹۶، صص ۱۱۰-۱۲۰). امام (ره) می‌خواست با وحدت و انسجام ملی و اسلامی و ایجاد همبستگی اسلامی بین مسلمانان، همه ملل اسلامی به استقلال و آزادی دست یابند، زیرا مسلمین باید برای بدست آوردن استقلال و آزادی این کلید پیروزی را بدست آورند و برای وحدت کلمه کوشش کنند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، صص ۱۲۲-۱۲۳). در واقع بر اساس غنای مفهومی وحدت و ائتلاف در اندیشه امام خمینی (ره) با توجه به مشترکات بسیار میان شیعیان و اهل تسنن در اصول و فروع کلیدی و مهم دین و اختلافات در برخی از فروع دینی، جهان اسلام را به مثابه یک نظام واحد، یکپارچه و منسجم تلقی می‌کند و براساس آن همه ملل مسلمان را به وحدت دعوت می‌کند و خطاب امام خمینی ملت‌ها بوده و امروزه محور مقاومت نیز بر این مبانی استوار است.

آنچه درباره دستاوردهای نظری انقلاب اسلامی در حوزه تمدن‌سازی اشاره شد

به صورت مختصر بوده است. مهمترین دستاورد نظری این است که الگوی انقلاب اسلامی نشان داده که کشورهای اسلامی با تکیه بر اسلام می‌توانند حکومت مطلوب خود را تأسیس کنند و الگوی نظری و نسخه قابل ارائه به کشورهای اسلامی جمهوری‌های مستقل و آزاد است که با تأسیس آن اتحاد بین مسلمین ایجاد می‌شود و با اتحاد زمینه تمدن‌سازی و همانا « تمدن نوین اسلامی » فراهم خواهد شد.

۴-۲. دستاوردهای محیطی و منطقه‌ای

- سهم انصار الله در تمدن‌سازی: انقلاب یمن در گفتمان و اندیشه انقلاب اسلامی در راستای نقشه راه تمدن‌سازی قرار دارد. رویکرد مبارزاتی انقلاب یمن و انصارالله شبه مسلحانه بوده و دارای بعد ایدئولوژیک است، البته زمانی که مبارزات انصارالله سازمانیافته نبود. تلاش این گروه‌ها برای ساماندهی حملات و هدفمند شدن مبارزات مسلحانه بود (دغشی، ۱۳۹۴، ص ۱). در زمینه فرهنگ و باورهای انقلابیون یمن این موضوع است که قیام خود را بر اساس ارزش‌های اسلامی و باورهای فرهنگی و هویتی شروع کردند و با رویکرد گلدستون تطابق زیادی دارد، زیدی‌ها به این باور رسیدند که امام و رهبری برای مدیریت انقلاب باید از نسل حسین(ع)، عالم بوده و قیام به شمشیر کند، به تعبیری رهبری انقلاب یمن سه شرط رهبری که بر اساس آموزه فرهنگ و مذهب است در امام خمینی(ره) نیز دیدند. در ژانویه ۲۰۱۵ استعفای خود را اعلام کرد (میراحمدی واحمدوند، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲) بعد از سرنگونی علی عبدالله صالح، تغییر قدرت به معنای واقعی رخ نداد و در واقع همان شخصیت‌های بانفوذ قبل از انقلاب در صحنه قدرت باقی ماندند (السمای، ۱۳۹۴، صص ۱۴۲-۱۴۱) طی سه سال حاکمیت عبدربه منصور هادی، نه تنها مردم به آرمان‌ها و مطالبات انقلابی خود دست نیافتند؛ بلکه با ناکارآمدی دولت، بر مشکلات سابق افزوده شد (پرندین، ۱۳۹۳، ص ۱). در

سال‌های اخیر نیز این جنبش با تکیه بر مبانی و اصول عمیق فکری خود توانست به جریانی تأثیرگذار در داخل یمن و بازیگری قدرتمند در سطح منطقه تبدیل شده و منافع قدرت‌های بزرگ را به چالش بکشانند. قدرت انصارالله در کنترل صنعا و بیشتر مناطق یمن و نیز به دلیل پیوند معنوی این جنبش با انقلاب اسلامی ایران، بر نگرانی و هراس آمریکایی‌ها و سعودی‌ها نسبت به شکل‌گیری دولت شیعی در یمن، تغییر موازنه قوا و تقویت محور مقاومت افزوده شد. این جنبش در پابندی به دفاع از حقوق تمامی مستضعفان، توانست جریان‌ها، طائفه‌ها و مذاهب یمن را با خود همراه سازد. انصارالله هم اکنون دارای تشکیلاتی سازمان یافته و دارای برنامه و مبناست که حول رهبری واحد حرکت می‌کند (المالکی، ۱۳۹۴، صص ۱۸۸-۱۸۶).

سهم حزب الله لبنان در تمدن‌سازی: حزب الله لبنان به عنوان بازیگری غیردولتی/فروملی از ابتدای تأسیس خود تاکنون توانسته در فعالیت اجتماعی و سیاسی خود روند رو به توسعه داشته و دستاوردهایی را برای لبنان و انقلاب اسلامی به همراه داشته باشد. حزب الله در شکل‌دهی و بسیج منابع و امکانات در برابر استکبار موفق بوده و در جهت تمدن‌سازی نیز حرکت کرده است. از عوامل شکل‌گیری تدریجی مقاومت اسلامی لبنان این بود که نیروهای مردمی و هسته‌های مقاومت توانایی دفاع از کشور را در برابر استکبار ایجاد کرده و تثبیت کنند. به همین منظور هسته‌های مقاومت و نهضت‌های انقلابی در سراسر جهان اسلام و دنیا فعال شدند و مقاومت اسلامی حزب الله لبنان در شرایط ویژه و پیچیده‌ای شکل گرفته و توسعه یافت (قاسمی، ۱۳۹۸، صص ۲۹-۳۰). مقاومت اسلامی حزب الله مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی، فرهنگ و تمدن شیعی قرار داشته است. فرهنگ مقاومت علاوه بر حزب الله لبنان امروزه در کشورهای نظیر عراق، سوریه، افغانستان و یمن برخی دیگر با اتکا بر فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی در مقابل استکبار ایستادگی می‌کنند (قاسمی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۴). برای نمونه آزادی جنوب

لبنان از اشغال صهیونیست‌ها و پیروزی در جنگ ۳۳ روزه، دو دستاورد بزرگ مقاومت اسلامی در لبنان براساس اتکا به «هویت مقاومت» محسوب می‌شود. هدف مشترک محور مقاومت و تلاش‌های هم‌افزای اعضای آن در تحقق این هدف، کلیه ترتیبات سیاسی، امنیتی و نظامی، منطقه غرب آسیا را تحت تأثیر قرار داده است (زارعان، ۱۳۹۳، ص ۲۵). آنچه براساس دستاوردهای مقاومت مقاومت اسلامی لبنان در منظومه فکری سید حسن نصرالله شناسایی شد نشانگر این است که مقاومت حزب الله با هدایت و جهت‌گیری سیاست‌های انقلاب اسلامی در منطقه از یک بازیگر محلی/فروملی با قدرت کمتر به یک قدرت تأثیر گذار برتر و فراملی تبدیل شده است. ارتقا جایگاه حزب الله لبنان در منطقه، ایستادگی در برابر رژیم صهیونیستی و برتری در برابر سازمان اطلاعاتی رژیم صهیونیستی (عراقی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۳). حضور در جبهه مقاومت و حمایت نظامی از سوریه و تقویت فرهنگ و تمدن اسلامی - شیعی توسط حزب الله لبنان و افزایش برتری مقاومت حزب الله در جهت تمدن‌سازی قرار دارد.

- **تکفیر ستیزی و تمدن‌سازی (موفقیت عراق و سوریه در حفظ جغرافیایی سرزمینی):** دستاورد دیگری که در حوزه تمدن‌سازی قابل بحث و بررسی است، مقاومت عراق و سوریه در محور مقاومت است که با سرکوب گروه‌های تروریستی و بیرون راندن داعش از گستره جغرافیایی خود در واقع علاوه بر دستاوردهای نزدیک که مانع از تجزیه کشور خود شدند؛ به دستاوردهای بزرگتری نیز دست یافتند که در تقابل با تمدن غربی بوده و تقویت محور مقاومت و کمک عملی به تمدن‌سازی مدنظر انقلاب اسلامی بوده است.

- **تلفیق اندیشه مردم و اسلام در جهت تمدن‌سازی (گذار از ناس به امت‌گرایی):** با پیروزی انقلاب اسلامی اندیشه ناسیونالیستی ملی‌گرایی در مسئله فلسطین کنار گذاشته شد و حداقل دستاورد آن ایجاد وحدت بین مسلمین و مردم

پایه شدن جنبش‌ها در منطقه بوده است. پیش از انقلاب اسلامی جنبش‌ها و تحرکات ساختگی بوده و یا حداقل با مداخله دو قدرت برتر صورت می‌گرفت و در جهت منافع ملی شرق و غرب قرار داشت. با الگوی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی مردم به خواست خود و مبتنی بر هویت و فرهنگ و تمدن خود دست به قیام می‌زنند.

- اتحاد جماهیر اسلامی و تمدن‌سازی (تأسیس جمهوری‌های مستقل و آزاد):
جمهوری‌های آزاد و مستقل در استراتژی مبارزاتی امام خمینی (رحمه الله علیه) در راستای ایجاد وحدت جهانی اسلام بوده که از سوی ملت‌ها دست یافتنی است. امام به خوبی در یافته بود که استحکام و موفقیت «دولت بزرگ اسلامی» بستگی تام و تمام به همکاری جدی دولت‌های سرزمینی و تأسیس «جمهوری‌های آزاد و مستقل سرزمینی» دارد. در این زمینه می‌فرمایند «ما می‌خواهیم که همه ممالک اسلامی اولاً در محیطی که خودشان هستند به حسب حکم اسلام بین حکومت و بین مردم مخالفت نباشد و همه با هم باشند... و همه متحد بشوند تا این که آسیبی برای آنها واقع نشود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۹۸). منظور از وحدت و هماهنگی دولت-ملت در دولت‌های محیطی این است که رژیم ممالک اسلامی، بر اساس خواسته‌های واقعی ملت‌ها «اسلامی و ملی» بشوند و رژیم‌های طاغوتی ضد دینی و ضد مردمی تبدیل به نظام اسلامی - ملی گردد تا «جمهوری‌های آزاد و مستقل» به معنای واقعی کلمه که در این کلام امام خمینی (رحمه الله علیه) آمده است تحقق پیدا کند. «وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که... در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید...» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۴۴۸). و هرگاه این جمهوری‌ها در عمل شکل بگیرد، زمینه برای وحدت و امنیت

بیش از پیش فراهم خواهد شد. آنچه در اندیشه امام خمینی (رحمه الله علیه) برای اتحاد ممالیک اسلامی وجود داشته است؛ نخست باید جمهوری‌های مستقل و آزاد شکل بگیرند. اولین جمهوری مستقل و آزاد در ایران شکل گرفته است. بعد از جمهوری‌های اسلامی در یک، یک کشورهای اسلامی و در مرحله بعد جمهوری‌ها باهم متحد شوند.

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بر این باورند شکل‌گیری دولت اسلامی با «تشکیل جبهه متحد اسلامی» تحقق خواهد یافت. در این باره می‌فرمایند؛ «بدون تردید یکی از راهکارهای مهم در پیروزی بر مشکلات جهان اسلام و نیل به استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، تشکیل جبهه متحد اسلامی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴، ص ۲۱). امروزه آنچه در مرحله‌بندی تمدن اسلامی و تمدن‌سازی مدنظر رهبری وجود دارد گویای این موضوع مهم است. بنابراین مقصود از واژه ترکیبی «دولت اسلامی مرکب از جمهوری‌های مستقل و آزاد» وحدت کشورهای اسلامی بر اساس اصول مشترک فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، فعالیت و اصول سیاست خارجی، نظامی، بسیج و بازارهای تجاری در قالب یک دولت اسلامی یا جمهوری‌های مستقل و آزاد هست.

دستاوردهای عملی انقلاب اسلامی در حوزه تمدن‌سازی که زمینه‌ساز «تمدن نوین اسلامی» هست در وجوه سلبی و ایجابی در برهه چهل ساله انقلاب زیاد بوده است. آنچه در موارد بالا اشاره شده بخشی از موفقیت‌های عینی و عملی است. بسیاری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در راستای تمدن‌سازی مقابله با حضور و گسترش نفوذ غرب و آمریکا در منطقه و دست کم محدود و خنثی کردن آن بوده است. نتیجه این اقدام جمهوری اسلامی در تقابل با فرهنگ و تمدن غرب و حفظ و گسترش تمدن اسلامی بوده است. در مجموع گفتنی است که دستاورد مهم انقلاب اسلامی در حوزه تمدن‌سازی مردمی کردن حرکت‌ها، مبارزات و مطالبات است. که

در طول تاریخ همواره مردم تمدن‌سازی کرده‌اند. چون در تعریف حقیقی آن تمدن حاصل دستاوردهای بشری است.

۵. آسیب‌های ائتلاف‌ساز در تمدن‌سازی

آنچه درباره آسیب‌شناسی تمدن‌سازی مدنظر انقلاب اسلامی وجود دارد. علاوه بر آسیب‌ها و چالش‌های نظری، چالش‌های مدیریتی و اجرایی در محوریت تمدن‌سازی وجود دارد. یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران با نقش محوری و رهبری محور مقاومت، مبدع الگوی تمدن نوین اسلامی با نقش پیش برنده آن باشد که با تهدیدات جدی روبه‌رو بوده است.

۱-۵. آسیب‌های نظری

- انحراف از اصل و وابستگی: وابستگی دولت‌های اسلامی به ابرقدرت‌ها ریشه انحراف از اسلام است: «این حکومت‌ها هستند که به واسطه روابطشان با ابرقدرت‌ها و سرسپردگی‌شان با ابرقدرت‌های چپ و راست مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کردند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۸۳). امام دولت‌ها را مقصر اصلی عقب‌ماندگی‌های مسلمانان می‌داند؛ زیرا معتقد است برای حفظ موقعیت خودشان می‌کوشند تا مقاصد شوم ابرقدرت‌ها را در سرزمین مسلمانان به اجرا درآورند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۲۰۸) مشکل اسلام، دولت‌های اسلامی است، نه ملت‌ها» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۱۳۵) بزرگ‌ترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبرین، وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد.

برای نمونه؛ پس از مرگ سادات، معاونش ژنرال محمد حسنی مبارک که خلبان نیروی هوایی ارتش بود بر کرسی ریاست‌جمهوری مصر تکیه زد و تا ۲۲ بهمن ۱۳۸۹ که با قیام مردم سرنگون شد، در مصر قدرت را در دست داشته و وابسته به آمریکا بود (علایی، ۱۳۹۱، صص ۷۸-۹۷). اخوان مصر پس از قدرت‌گیری

سیاسی هم قبل از آن همچنان وابسته آمریکا بود که این وابستگی سیاسی مالی عامل شکست شد. گرچه از مدت‌ها پیش حتی قبل از وقوع انقلاب سال ۲۰۱۱ مصر، این شایعه در رسانه‌های مکتوب و مجازی جریان داشت که بین اخوان‌المسلمین و آمریکا یک نوع همکاری پنهان وجود دارد. اخوان‌المسلمین نسبت به سایر احزاب از جمله «وفد» از پایگاه مردمی گسترده‌تری برخوردار بود. بعد از انقلاب ۲۰۱۱ مصر، آمریکا بیش از هر کشور دیگری نسبت به تحولات مصر حساسیت به خرج داد و از نزدیک این تحولات را رصد نمود و در آن مداخله نمود. هدف ایالات متحده آمریکا در چشم‌انداز روابط با مصر، مهار جنبش مردمی و بیداری اسلامی در این کشور است (حنفی، ۱۳۹۱، ص ۲). آمریکا با توجه به جمعیت مصر، قدرت نرم مصر در جهان عرب، دانشگاه الازهر و وضعیت ژئوپولیتیک این کشور، این بازیگر اساسی جهان عرب را عامل اساسی و اصلی در تحولات احتمالی آینده جهان عرب می‌داند که می‌تواند در درازمدت استراتژی حفظ وضع موجود به نفع آمریکا در منطقه را مختل نماید.

- استبداد و خودکامگی: از نگاه امام خمینی (ره) بخش عظیمی از نابسامانی‌های موجود در جهان اسلام ناشی از وجود حکام جور است. اصولاً بخشی از رفتاری‌ها از قبیل وابستگی به قدرت‌های ظالم، احساس حقارت در برابر قدرت‌های سیاسی و اقتصادی از ناحیه حاکمیت طاغوت و قدرت‌های غیرمشروع در جوامع اسلامی می‌باشد. حضرت امام در این خصوص می‌فرماید: «شرع و حق حکم می‌کند که باید نگذاریم وضع حکومت ما به همین صورت ضداسلامی یا غیراسلامی ادامه پیدا کند دلایل این کار واضح است، چون برقراری نظام سیاسی غیراسلامی، نظامی شرک‌آمیز است، چون حاکمش طاغوت است و ما موظف‌ایم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم. باز به این دلیل که موظفیم شرایط اجتماعی مساعدی برای تربیت افراد مؤمن و با فضیلت

فراهم سازیم و این شرایط درست ضد شرایط حاکمیت طاغوت و قدرت‌های ناروا است. شرایط اجتماعی که ناشی از حاکمیت طاغوت و نظام شرک‌آمیز است، لازمه‌اش همین فساد است که می‌بینید این همان فساد فی‌الارض است که باید از بین برود و مسبب آن به سزای اعمال خود برسند. ما چاره‌ای نداریم جز این‌که دستگاه‌های حکومتی فاسد و فاسدکننده را از بین ببریم و هیئت‌های حاکمه خائن و فاسد و ظالم و جائز را سرنگون کنیم این وظیفه‌ای است که همه مسلمانان در یکایک کشورهای اسلامی باید انجام دهند و انقلاب اسلامی را به پیروزی برسانند» در فرازی دیگر می‌فرمایند: «این حکومت‌ها هستند که به واسطه روابطشان با ابرقدرت‌ها و سرسپردگی‌شان با ابرقدرت‌های چپ و راست مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کردند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۶۰).

- **ناکارآمدن نشان دان اسلام در عرصه سیاسی:** یکی از نقشه‌های پلید استعمار، متحجر نشان دادن اسلام است، به گونه‌ای که می‌کوشد از نظر فکری و فرهنگی و در پی آن، اقتصادی، بر جوامع اسلامی سیطره یابد: «از بدبختی‌هایی که بر دول اسلامی... پیش آمده است، از جمله آن‌ها این است که... یک مدت زیادی دول استعمارطلب مشغول شده‌اند پیغمبر اسلام را کوچک کنند... بعدش دنبال این رفتند که احکام اسلام یک احکامی است که مال هزار سال پیش است و حالا چه و چه شده است و مملکت مترقی شده است و امثال ذلک و اسلام نمی‌تواند اشباع کند آن خواسته‌های ملل را.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۷۹). وحدت امت اسلامی به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه امت اسلام و سراسر جهان اسلام است، به گونه‌ای که در نهایت نویدبخش تشکیل امت واحد اسلامی باشد.

- **تبلیغات منفی با هدف عقیم‌سازی اسلام:** تبلیغات منفی استکبار از اسلام سیاسی و ناکارآمد نشان دادن اسلام سیاسی در زمینه نظری از مهم‌ترین آسیب‌های نظری تمدن‌سازی است. عقیم‌سازی اسلام در زمینه نظریه پردازی از طریق راه

اندزی تکفیر، ایجاد انحراف، اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی، ایران‌هراسی و با تبلیغات فرهنگ غربی دنبال می‌شود. در واقع نظام غربی درصد القا این مسئله است که اسلام توانایی تأسیس نظام سیاسی را ندارد و تنها علاج و راه جایگزین بازگشت به تمدن غربی و الگوگیری از سبک و سیاق نظام دموکراسی غرب است.

۲-۵. آسیب‌های مدیریتی و اجرایی

- در سطح جمهوری اسلامی: مهم‌ترین آسیب‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه تمدن‌سازی عبارتند از: جابجایی و شکاف نسلی یعنی در زمینه تمدن‌سازی و ائتلاف بین کشورهای اسلامی و ملل مسلمان باید یک فهم و ادراک واحد بین جوانان و انقلابیون دهه اول و اوایل انقلاب شکل بگیرد به خصوص اهمیت تمدن‌سازی برای جوانان دهه اخیر با تبیین دقیق‌تری بیان شده و اهمیت و لازمه تمدن‌سازی تبیین شود.

همچنین ضعف مدیریتی در حوزه اجرایی، منظور از ضعف مدیریتی و اجرایی در طول دولت‌های جمهوری اسلامی نشانه عدم علاقمندی برخی دولت‌ها به موضوع ائتلاف‌سازی اسلامی است. برخی دولت‌ها با توجیه اهمیت و توجه به داخل از فعالیت و کوشش در ائتلاف‌سازی اسلامی صرف‌نظر کرده یا توجه کمتر شده است.

برخی از اتفاقات داخلی و رخدادهای سیاسی در زمینه، نقد ساختاری در جمهوری اسلامی برای نمونه در انتخابات ۱۳۸۸، اپوزیسیون احزاب ملی‌گرا، نهضت آزادی و سازمان مجاهدین، رحلت امام و روی کار آمدن دولت‌های هاشمی، خاتمی، احمدی نژاد که هریک قطبیتی پیدا کرده و توجه به موضوع ائتلاف ملل مسلمان به حاشیه رفته و یا بر آن سایه انداخته است. وقوع جنگ تحمیلی عراق و ایران با حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کشور و نظام جمهوری اسلامی را در ائتلاف‌سازی با روند کاهش مواجه کرده و از سرعت اولیه آن کاست (برزگر،

۱۳۹۷، صص ۲۲-۲۵) و بسیاری از مباحث داخلی که مسیر تمدن‌سازی با نقش محوری جمهوری اسلامی را با دشواری مواجه کرده است، که ریشه در چند صدایی دارد و مشی واحد در این زمینه نیاز است.

- **در سطح جهان اسلام:** عدم فهم و شناخت فرهنگ درون تمدنی، نداشتن تجربه مدیریتی کشورداری به شیوه انقلاب اسلامی ایران، فقدان تجربه و آگاهی تاریخی نسبت به تحولات سیاسی جهان اسلام برای نمونه، سابقه قدرت‌های بزرگ و اسرائیل، ناتوانایی در تلفیق اندیشه عربیت، اسلامیت و ماهیت لیبرالیسم و اندیشه غربی، رجوع به ناسیونالیسم گذشته، فقدان نظریه‌پردازی و ضعف در اندیشه‌پردازی و تئوری‌سازی در این زمینه از مهم‌ترین آسیب‌ها است.

- **در سطح بین‌الملل:** آگاهی به توانمندی تمدن‌سازی اسلامی و ایجاد چالش در اجرای آن، تداوم راهبرد سیاست‌زادگی از اسلام و اسلام‌زدایی از سیاست در تمدن‌سازی اسلامی توسط غرب، ناتوان نشان دادن اسلام در حوزه سیاست، ارائه نسخه بدیل برای اداره جامعه و تشکیل حاکمیت در اسلام، به راه انداختن اختلافات قومی، مذهبی و درون دینی، ناکارآمدن نشان کشورهای اسلامی در حوزه اقتصاد و تجارت و بسیاری از اقداماتی که در ایجاد دشواری در مسیر تمدن‌سازی توسط نظام بین‌الملل انجام می‌شود.

نتیجه‌گیری

بررسی و تحقیق در زمینه تمدن اسلامی نشان می‌دهد؛ الگوی تمدن نوین اسلامی از جمله مباحث مهم در گفتمان انقلاب اسلامی به شمار می‌آید که علت اصلی این رویکرد در تقابل با سیطره و نفوذ فرهنگ و تمدن غربی در جوامع اسلامی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. مرحله بندی تمدن‌سازی در انقلاب اسلامی مسیر پیوسته‌ایی از فرایند نهضت، انقلاب، نظام‌سازی و تا تشکیل امت واحده را در آرمان و اهداف خود تعریف کرده است. در این زمینه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی

مهمترین پیش شرط تحقق آن است. یافته‌های پژوهش از آن حکایت دارد که انقلاب اسلامی ایران در عرصه تمدن‌سازی مبتنی بر اصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی در قلمرو تئوریک و عملی حرکت کرده است. و در این مسیر دستاورد و موفقیت‌هایی را برای جهان اسلام و امت اسلامی به همراه داشته است.

در پاسخ به پرسش پژوهش گفتنی است که؛ با تحلیل و تطبیق انطباق نظری و عملی اصل یازدهم قانون اساسی در تمدن‌سازی اسلامی، رویکرد مذکور در کشورهای اسلامی موفقیت‌هایی را نصیب خود کرده است، نتیجه ارزیابی نشان داد که انقلاب اسلامی ایران در آرمان و الگوی تمدن‌سازی خود ثبات و جدیت را دارد. در نتیجه در بخش مؤلفه‌های ائتلاف‌ساز مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از؛ بازگشت به خویشتن، جامع‌نگری در اسلام، توحید باوری و وحدت عقیده، ائتلاف و وحدت دولت‌های اسلامی، یگانگی تمدنی و فاصله‌گیری از تناقض تمدنی بودند.

مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی در تمدن‌سازی در دو بخش نظری و عملی احصاء شدند؛ در بخش نظری سیاسی کردن اسلام به عنوان مسئله اساسی در تمدن‌سازی، تغییر هندسه حکومت اسلامی، بازگشت به تمدن اسلامی به جای فرهنگ و تمدن غربی، همگرایی کشورهای اسلامی به خصوص در جبهه مقاومت از مصادیق نظری آن بودند. در بخش عملی و محیطی سهم حزب الله لبنان و ایفا نقش فراملی و منطقه‌ای آن، نقش انصارالله یمن به رهبری سید عبدالملک حوثی، مبارزه با گروه‌های تکفیری و تروریستی با محوریت ایران و جبهه مقاومت در جهت زدودن انحرافات از اسلام، تلفیق اندیشه دینی با نقش مردمی در نهضت‌ها و انقلاب‌ها با رویکرد مردم‌سالاری اسلامی و تلاش در اتحاد جماهیر اسلامی با شکل‌گیری هسته‌های مقاومت و ارتقا آن به جمهوری‌های آزاد و مستقل از مصادیق عینی در جهت تمدن‌سازی هستند. گرچه تمدن‌سازی با آسیب‌های جدی در مسیر خود مواجه هست که شامل آسیب‌های نظری و عملی هستند که در عرصه اجرایی

و مدیریتی مهمترین آن در سطح ملی و جهان اسلام است که با تبیین ماهیت اسلام سیاسی، کارآمدی آن در جهان اسلام به خصوص بعد از انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی مسیر تمدن‌سازی را فراهم نموده است.

در نهایت گفتنی است، موضوع تمدن و تمدن‌سازی از مباحث طولانی مدت است که در زمان کوتاه محقق شدنی نیست؛ بنیاد تمدن‌سازی ریشه در نهضت انبیاء دارد. علاوه بر آن دشواری ائتلاف‌سازی و ایجاد وحدت نیز بر آن افزوده شده است؛ این در حالی است که دستاوردها نشان از صحیح بودن نقشه راه است. و با نگاه به آینده به نظر می‌رسد تمدن نوین اسلامی در زمانی کمتر از انقطاع تاریخی از اصل خود به ریشه اصلی و جایگاه اساسی خود وصل خواهد شد. تمدن‌سازی به دلیل ریشه نهضتی آن (نهضت انبیاء) نیاز به ابزار و مکانیسمی از جنس خود دارد. از مهمترین پیش‌ران‌های تمدن‌سازی دیپلماسی نهضتی و مقاومت است، دیپلماسی نهضتی روش نظری درک، فهم و مفاهمه بین‌الملل را با هدایت آن به سطح ملت‌ها ساده‌سازی کرده و در عرصه عملی با کاربست مقاومت و بسیج مردمی آن را دست یافتنی خواهد ساخت. در نتیجه آرمان و افق تمدن نوین استقرار جمهوری‌های مستقل و آزاد، تعالی جایگاه مسلمین و عزت آنان، حق تعیین سرنوشت در ساختار مردم‌سالاری دینی، ائتلاف‌سازی مسلمانان، اتحاد جوامع اسلامی و ساخت‌یابی نظم جدید انقلابی است.

کتابنامه

الف) منابع فارسی و عربی

قرآن کریم

اقبال لاهوری، محمد (۱۳۶۶)، کلیات اشعار فارسی، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.

اکبری، مرتضی و فریدون رضایی (۱۳۹۳)، واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)، فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، دوره سوم، (شماره ۵)، پاییز و زمستان، صفحات ۸۵-۱۰۸.

برزگر، ابراهیم (۱۳۹۷)، انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی: نقشه راه، مسیر رفته و مسیر باقی مانده، مجموعه مقالات همایش گفتارهایی از انقلاب اسلامی از نظریه تا عمل، تهران، دانشگاه شاهد، خرداد، صفحات ۱۱-۳۴.

پرندین، لطف الله (۱۳۹۳)، «واکاوی پیروزی انقلاب دوم یمن از منظر گفتمان مقاومت»، www.porseman.com

جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ماهیت وحدت در اندیشه امام خمینی، نشریه کیهان فرهنگی، دوره ۱۱، (شماره ۱۵۶).

حافظ نیا، محمدرضا و زرقانی سیدهادی (۱۳۹۱)، چالش‌های ژئوپلیتیکی همگرایی در جهان اسلام، فصلنامه دانش سیاسی، دوره ۴۴، (شماره ۸۰)، تابستان، صفحات ۱۳۹-۱۵۴.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹)، «بیانات پیرامون تمدن نوین اسلامی»، farsi.khamenei.ir

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹)، «بیانات پیرامون تمدن نوین اسلامی»، farsi.khamenei.ir

حنفی، حسن (۱۳۹۱)، «رابطه اخوان المسلمین و آمریکا، انتخاب»، entekhab.ir.

دغشی، محمد احمد (۱۳۹۴)، «بازشناسی حوثی‌های یمن»، forum.qawem.org
زارعان، احمد (۱۳۹۳)، بررسی تبدیل حزب الله لبنان از قدرتی محلی به قدرت ملی
و منطقه‌ای، مطالعات راهبردی جهان اسلام، پاییز، دوره ۱۵ (شماره ۵۹)، صص ۳۷
- ۶۸.

سپهری، محمد (۱۳۸۵)، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران: نورالثقلین.
السماوی، فتح الله حسین (۱۳۹۴)، تحولات یمن و جبهه مقاومت، قم: مجمع جهانی
اهل بیت (ع).

عبدالملکی، هادی، قدیر نظامی و طاها عشایری (۱۳۹۷)، نظریه گذار تمدنی به مثابه
راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیداری اسلامی، فصلنامه
مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، (شماره ۱)، بهار و تابستان، صص
۱ - ۲۹.

عراقی، عبدالله (۱۳۹۴)، نقش حزب الله لبنان در امنیت منطقه غرب آسیا با تأکید بر
حمایت و پشتیبانی ایران، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۴، (شماره ۹۳)، صص ۱۰۱
- ۱۴۲.

علایی، حسین (۱۳۹۱)، نقش و جایگاه سیاسی ارتش در مصر، مطالعات راهبردی
جهان اسلام، دوره ۱۴ (شماره ۵۱)، تابستان، صص ۸۹ - ۱۱۹.
عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران: اشجع.

فوزی، یحیی و صنم زاده، محمودرضا (۱۳۹۱)، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی
(ره)، فصلنامه تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، دوره ۳، (شماره ۹)، زمستان، صص
۷ - ۴۰.

قاسمی، بهزاد و فرجی، مهدی (۱۳۹۶)، اصلاح و نوسازی دولت در جهان اسلام
تأملی در آراء حسن البنا و راشد الغنوشی، مطالعات اندیشه متفکران معاصر، دوره
۳، (شماره ۵)، بهار و تابستان، صص ۹۸ - ۱۱۹.

قاسمی، بهزاد (۱۳۹۱)، گزارش اجلاس جهانی استادان مسلمان دانشگاه‌ها و بیداری اسلامی، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، دوره ۱۳، (ش ۵۱)، تابستان، صص ۲۰۱-۱۱۹.

قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷)، ارزیابی تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام و عرصه بین‌الملل، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره هفتم، (شماره ۴)، زمستان، صص ۹۱-۱۱۳.

قاسمی، بهزاد (۱۳۹۸)، آرمان امنیت امت مسلمان در گفتمان انقلاب اسلامی: فرصت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه سیاست دفاعی، دوره ۲۷، (شماره ۱۰۸)، پاییز، صص ۲۸-۴۹.

قرآن کریم.

المالکی، عادل محمد احمد (۱۳۹۴)، انصارالله فرصت‌ها و چالش‌ها، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).

متقی، افشین و رشیدی، مصطفی (۱۳۹۲)، ژئوپلیتیک جهان اسلام اسلام‌گرایی برساخت‌گرایی الگوهای اسلام‌گرایی، مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، (شماره ۳۴)، پاییز، صص ۱-۱۹.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۷)، امنیت آسیای جنوب باختری در ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره اول، (شماره ۲) تابستان و پاییز، صص ۱۰۳-۱۲۲.

مقیسه، رضا؛ کیبادی، علیرضا و پدرام، عبدالرحیم (۱۳۹۷)، علائم تمدن نوین اسلامی؛ هشداری برای ایجاد و تقویت سازمان‌های تمدن ساز، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، (شماره ۱)، بهار و تابستان، صفحات ۱۱۵-۱۵۱.

منصور، جهانگیر (۱۳۸۲)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی.

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، *صحیفه نور*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

میراحمدی، منصور و محمد احمدوند (۱۳۹۴)، *هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله در یمن، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، دوره ۱، (شماره ۲ و ۳): بهار، صفحات ۱۴۵-۱۶۵.

نقیبی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۷)، *مردم‌سالاری دینی و تمدن‌سازی، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۱، (شماره ۲)، پاییز و زمستان، صص ۱۱۴-۱۳۰.

کاظمی، سید آصف (۱۳۹۷)، *چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۲۵-۴۷.

